

تفاوت‌های آموزه‌های حدیثی امام رضا علیه السلام در مدینه و مرو

منصوره منصوری گندمانی^۱

چکیده

دوره امامت امام رضا علیه السلام ۲۰ سال به طول انجامید. امام علیه السلام ده سال از مدت یادشده را در زمان حکومت هارون، در مدینه سپری کرده است. و حدود سه سال آخر عمر ایشان نیز در مرو و در دستگاه خلافت مأمون سپری شد. آموزه‌های حدیثی ایشان در مدینه، بیشتر حول محور احکام، آموزه‌های اخلاقی و عقاید بود. امام بر اساس محیط جامعه، به تصحیح عقاید شیعیان و تکفیر غلات پرداختند و مباحثشان بیشتر نقلی و در برخی موارد، قرآنی و یا عقلی بود.

ایشان در مدینه با توجه به شرایطی که مأمون برای مناظره و کاستن از مقام علمی امام ایجاد می‌کرد و نیز مناظره با اهل کتاب و فرقه‌های مختلف اسلامی، مباحث بسیار گسترده و عمیقی حول محور عقاید و مخصوصاً امامت، با رویکرد قوی قرآنی و عقلی مطرح ساخت و در نشرحقیقت اسلام و نیز تشیع تلاش فراوانی مبذول داشت. **واژگان کلیدی:** روایت، توحید، امامت، عصمت.

بررسی آموزه‌های روایی امام رضا علیه السلام در مدینه

دوره بیست ساله روزگار امامت و رهبری امام رضا علیه السلام را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول؛ از آغاز امامت تا سفر به خراسان؛ یعنی از سال ۱۸۳ تا ۲۰۱ هجری قمری که ایشان بیشتر آن را در مدینه حضور داشتند.

۱. کارشناسی ارشد کلام

بخش دوم؛ از اواسط سال ۲۰۱ هـ. ق تا پایان عمر امام؛ یعنی آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هـ. ق که در مرو حضور داشتند.

امام ده سال از مدت یادشده را در روزگار هارون سپری کرده است (سالهای ۱۸۳ تا ۱۹۳ هـ. ق). در این دوره، هم سیاست های هارون در قبال امام تغییر یافت، و هم روش ایشان در رهبری و ادامه حرکت امامت با روش امام هفتم تفاوت داشت.

هارون پس از شهادت امام موسی کاظم علیه السلام، از پیامدهای قتل امام بیهم داشت؛ از این روی، هرچند برخی از درباریان او را به قتل امام رضا علیه السلام ترغیب می کردند، ولی او از این کار و عواقب آن وحشت داشت؛ زیرا در این صورت، قیام های علویان بیشتر شدت می یافت و موجی از نارضایتی در مردم پدید می آمد که برای دستگاه حکومت مخاطره آمیز بود (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۲۶).

بنابراین، هارون با توجه به این ملاحظات سیاسی و برای حفظ حاکمیت خود، از روش سابق دست شست و از فشار سیاسی و اجتماعی علیه امام علیه السلام کاست. امام رضا علیه السلام نیز مبارزه خود را به گونه ای دیگر ادامه داد تا هم تجربه پیشین در مدتی کوتاه تکرار نشده باشد و هم تکلیف بر زمین نمانده باشد.

حمایت از قیام های علوی و نیز نشر بیشتر فرهنگ اسلامی و تصحیح فلسفه سیاسی و پرورش شیعیان روشنگر، از جمله تلاش های امام رضا علیه السلام در این زمینه بود (مقاتل الطالبین، ص ۳۵۸).

البته در دوران هارون، امام هشتم علیه السلام در نهایت تقیه زندگی می کردند؛ یعنی تلاش و حرکت و نیز ارتباط با مردم را داشتند، اما با پوشش کامل (جهاد شیعه در دوره اول عباسی، ص ۴۸).

از جمله اقدامات امام رضا علیه السلام در مدینه در زمینه نشر بیشتر فرهنگ اسلامی و تصحیح فلسفه سیاسی و پرورش شیعیان روشنگر عبارت اند از:

خداشناسی و توحید

در مدینه، مسئله توحید و خداشناسی و تصحیح این اعتقادات، در رأس تلاش های امام رضا علیه السلام قرار داشت. به عنوان نمونه، امام علیه السلام در جایی تفاوت میان معنای اراده خداوند و اراده بشر را بیان می فرماید. از صفوان بن یحیی روایت است که گفت:

به ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: مرا از معنای اراده خداوند و اراده مخلوق آگاه فرما. امام علیه السلام فرمود: اراده مخلوق همان ضمیر او و آنچه به اندیشه او می‌رسد و تصمیم می‌گیرد که به فعلیت برساند است. اما اراده خداوند، فقط ایجاد و آفرینش است نه چیز دیگر؛ زیرا برای خداوند غور و قصد و تفکر نیست، و این‌گونه صفات از آن آفریدگان است، و از ذات مقدّس او منتفی است ... (تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ج ۴، ص ۵۱).

اثبات حقانیت امامت خود

بی‌تردید، محوری‌ترین جایگاه در منظومه اندیشه کلامی شیعه، از آن امامت است. اعتقاد به امامت، از مؤلفه‌های اصلی تفکر شیعه و از وجوه تمایز شیعه با دیگر فرقه‌های اسلامی است. از نظر شیعه، ولایت و امامت در سه جنبه مطرح است: سیاسی، دینی و معنوی (تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، مقاله عبدالرضا عرب).

حضرت رضا علیه السلام در مورد «حجیت عقل» به ابن سکیت فرمودند:

عالم در زمان تکلیف از فرد راستگویی از جانب خداوند متعال خالی نمی‌ماند، که افراد مکلف در مسائل شبهه‌ناک در امر شریعت به او پناه برند ... (الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴).

ویژگی‌ها و صفات امام

در روایات گوناگونی که در مسئله امامت از امام رضا علیه السلام نقل شده است، ویژگی‌ها و نسب امامان قابل ملاحظه می‌باشد؛ برای نمونه:

حسن بن علی بن فضال می‌گوید:

«حضرت رضا علیه السلام فرمود: امام علائم و نشانه‌هایی دارد: امام در علم و حکمت و تقوا و صبر و شجاعت و سخاوت و عبادت از همه برتر است؛ پاک و مطهر است؛ همان‌گونه که از مقابل می‌بیند، از پشت سر نیز مشاهده می‌کند؛ سایه ندارد؛ از بطن مادر با دو کف دست بر زمین می‌افتد و با صدای بلند شهادتین می‌گوید؛ چشمش به خواب می‌رود ولی قلبش بیدار است؛ محدّث است ... شمیم امام از مشک خوشتر، به مردم از خودشان سزاوارتر، و بر آنان دلسوزتر از پدر و مادرشان است؛ از تمام مردم در برابر خداوند متواضع‌تر است از همه بدان چه امر می‌کند، بیشتر عمل می‌کند؛ و از همه بیشتر در



آنچه دیگران را نهی می‌کند، دوری می‌نماید؛ امام دعایش مستجاب است؛ «جامعه» (صحیفه‌ای به طول هفتاد ذراع که مشتمل بر تمام نیازهای بنی‌آدم است) نزد او می‌باشد؛ جفر اکبر و اصغر (پوست قوچی است که جمیع علوم حتی مجازات یک خراش و حتی زدن یک تازیانه یا نیم یا ثلث در آن ثبت شده) و نیز، مصحف فاطمه نزد او است... (الاحتجاج، ج ۲، صص ۴۸۶ - ۴۸۷).

توجه دادن به حقانیت امامیه

حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست دارد سوار کشتی نجات شود و دستاویز استوار را چنگ زند و به ریسمان محکم خدا بچسبید، باید علی را بعد از من دوست بدارد و دشمنش را دشمن و پیرو ائمه هدی از فرزندان او باشد. آنها جانشینان و اوصیاء من اند و حجت خدا بر خلق پس از من و سرور امت و رهبر پرهیزگاران به جانب بهشت، حزب ایشان حزب من و حزب من حزب خداست و حزب دشمنان آنان حزب شیطان است. (امامت، ج ۱، ص ۹۳).

توجه به عقاید خاصه امامیه

از جمله اقدامات امام رضا علیه السلام در نشر فرهنگ ناب اسلامی و پرورش شیعیان، دفاع از عقاید خاصه شیعیان است که آنان را از امامان معصوم خود برگرفته‌اند؛ از جمله:

- تقیه

قابل توجه است که تقیه به معنای تعطیل کار و تلاش نیست؛ بلکه به معنای پوشیده نگه داشتن کار و تلاش است؛ این معنا با مراجعه به روایات به طور کامل آشکار می‌شود. (جهاد شیعه در دوره اول عباسی، ص ۶۰).

علی بن ابراهیم از علی بن حسین بن خالد روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام فرمود: "دین ندارد کسی که ورع ندارد؛ ایمان ندارد کسی که تقیه نمی‌کند؛ گرامی‌ترین شما در نزد پروردگار آن کسی است که تقوایش بیشتر باشد و تقیه را مورد عمل قرار دهد." خدمت حضرت عرض کردند: "یا بن رسول الله! تا کدام وقت باید تقیه کرد؟" فرمود: "تا روز معین که روز خروج قائم ما است، و هر کس قبل از خروج قائم ما تقیه را ترک کند، از ما

نخواهد بود" ... (زندگانی چهارده معصوم، ص ۵۴۷).

- مهدویت

در روایتی دیگر در حتمیت وقوع قیام قائم آل محمد (عج)، شیخ الطائفه در امالی از حسین بن خالد نقل کرده که گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم:

عبدالله بن بکیر حدیثی را روایت نموده و آن را تأویل می‌کرد. و من می‌خواهم آن را به شما عرضه کنم. فرمود: «حدیث چیست؟» عرض کردم: او می‌گفت: «عبید بن زراره برای من نقل کرد: در ایامی که نفس زکیه علیه بنی‌العباس قیام کرده بود، امام صادق علیه السلام فرمود: تا وقتی که آسمان و زمین آرام است، تو نیز آرام باش! عبدالله بن بکیر می‌گفت: در این صورت، مادام که آسمان و زمین آرام است، قیامی به وقوع نمی‌پیوندد و بنابراین نه قیامی است و نه قائمی!» امام رضا علیه السلام فرمود: «جدم حضرت صادق علیه السلام راست فرمود: و این طور که عبدالله بن بکیر تأویل کرده است، نیست. منظور جدم اینست که تا وقتی آسمان از شنیدن صدا و زمین از فرورفتن با لشکر (سفیانی) آرام است، تو نیز آرام گیر...» (مهدی موعود، ص ۹۵۴).

- شفاعت

از حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السلام از پدران گرامی اش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به حوض من ایمان نداشته باشد، خدا او را در حوض وارد نکند و کسی که به شفاعتم ایمان نداشته باشد، خداوند او را به شفاعتم نائل نسازد. آنگاه فرمود: شفاعت من تنها مخصوص افرادی از امتم است که مرتکب گناهان کبیره شده باشند؛ اما نیکوکاران از ایشان هیچ گرفتاری پیدا نمی‌کنند.

تفسیر آیات در حقانیت ولایت اهل‌البیت علیهم السلام

حضرت رضا علیه السلام در مدینه، تفسیر بسیاری از آیات نیز، بر حقانیت مذهب شیعه و ولایت بلافصل امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله داشته و بر آن تأکید می‌کردند. برای نمونه:

حسین بن خالد گفت: از امام رضا علیه السلام راجع به آیه امانت (احزاب، ۷۲) از ایشان سؤال کردم؛ فرمود: «امانت، ولایت است؛ هر که بدون حق ادعا کند، کافر است» (امامت،

ج ۱، ص ۲۰۴).

بدین ترتیب، امام بعد دیگری از توحید را تشریح کرد و بر مسئله بنیادین دیگری که همان ولایت بود، تأکید ورزید. امام بر همه حاکمیت‌های غیرالاهی خط بطلان کشید و فلسفه حاکمیت اسلام را اعتلای کلمه حق دانست؛ این امر تنها در پرتو ولایت امکان‌پذیر است.

توجه به کفر غالبان شیعه

امام رضا علیه السلام ضمن دفاع از حقانیت شیعه و پرورش شیعیان، مطالبی در نکوهش جماعت غلات، تکفیر، گمراه‌دانستن و بیزاری از آنان و طرفدارانشان بیان فرموده است (الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۸۸ - ۴۸۹).

به عنوان نمونه حسین بن خالد صیرفی گفته است: حضرت رضا علیه السلام فرمود:

هر کسی معتقد به تناسخ باشد، کافر است. سپس فرمود: خداوند غالبان را لعنت کند؛ آنها از مجوس و نصاری و قدری‌ها و مرجئه و حروری بدترند؛ سپس فرمود: با آنها ننشینید و رفاقت نکنید و از آنها بیزاری بجوئید؛ چرا که خدا از آنها بیزار است. (عیون اخبار الرضا).

برخی نزدیکان مدینه درباره احکام، عبادات و فلسفه آنها، ادعیه و مستحبات، سرنوشت انسان‌ها در قیامت، اخلاقیات و برخی مسائل اعتقادی از امام رضا روایاتی را نقل کرده‌اند.

بررسی آموزه‌های روایی امام رضا علیه السلام در مرو

در زمان حکومت مأمون، حکومت عباسی تاکتیک جدیدی به کارگرفت؛ امام نیز متناسب با وضع موجود، فعالیت‌های سیاسی خود را ترتیب داد. در این دوره حکومت تصمیم گرفت برای جلوگیری از نفوذ بیشتر امام در جامعه، محصولات فرهنگی تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر را ترجمه و در جامعه اسلامی منتشر کند تا هم ذهن مردم از پیگیری مسئله خلافت و جانشینی پیامبر متوجه مسائل دیگری شود، و هم با ورود مسائل و عالمان جدید به جامعه اسلامی، اهمیت و نفوذ علمی امام کم شود.

«بیت‌الحکمه» با همین هدف تأسیس و نهضت ترجمه آغاز گشت؛ در ادامه، هسته‌های علمی جدید و جلسات مناظره علمی پرشماری برگزار گردید. (عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۴۳) اما امام از این فرصت استفاده کردند و هرچه بیشتر به نشر حقایق اصیل دین اسلام پرداختند. ایشان با مباحثات و مناظرات خود با دیگر عالمان، موقعیت علمی خویش را بیش از پیش مستحکم ساختند (تصویر امامان شیعه در دایرة المعارف اسلام، ص ۳۵۸).

حضرت رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری، مدینه را به مقصد مرو ترک کرد و در سال ۲۰۱ ه. ق ولایت‌عهدی مأمون را به اجبار و به صورت مشروط پذیرفت. حضرت در این دوره مناظرات علمی، دانشمندان ملل و ادیان دیگر را به اسلام و مخصوصاً تشیع متوجه کرد و با بر جای نهادن میراثی گران قدر، بر غنای فرهنگ دینی افزود (الدرة الباهرة من الاصداف الطاهرة، ص ۳۶).

البته از دیرباز در میان خراسانیان زمینه‌های گرایش به تشیع وجود داشت و به دلیل همین زمینه‌ها، داعیان عباسی شعار دعوت به «الرضا من آل محمد صلی الله علیه و آله» را ابتدا در خراسان طرح کردند و قیام عباسیان علیه بنی امیه نیز با حمایت خراسانیان به پیروزی رسید (تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۲، ص ۴۷۲).

اما محدودیت‌هایی که عباسیان برای علویان و شیعیان ایجاد کرده بودند، سبب دوری بیشتر شیعیان از ائمه می‌شد و مشکلاتی را در فراگیری اعتقادات، برای آنها به وجود می‌آورد؛ بنابراین، دوران ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام در مرو، یکی از درخشان‌ترین دوران‌ها برای شیعیان بوده است. چرا که آنان امام را در کنار خود می‌دیدند و از حمایت وی برخوردار می‌شدند. امام رضا علیه السلام در مرو در پی حکم ولایت‌عهدی خطبه کوتاهی ایراد کرد. وی بعد از حمد و ثنای خداوند فرمود:

همانا ما را به واسطه رسول خدا صلی الله علیه و آله بر شما حقی است، و شما نیز به همان سبب بر ما حقی دارید. پس هرگاه حق ما را ادا کردید، بر ما نیز واجب است که حق شما را بدهیم (مقاتل الطالبین، ص ۵۶۴).

بنابراین، ایشان در اولین قدم، بحث محوری امامت را مطرح نمود و به همگان این جایگاه مهم را نشان داد؛ چرا که یکی از مسائل مهم در دوران امامان، ادعای امامت و دعوت به امامت است.

مورد دیگر، برخورد تند و زبان صریح و تیز امامان علیهم السلام در برابر خلفاست. ایشان در برابر خلفا حقایق را افشا می‌کردند و هیبت و قدرت زمامداران، سبب سکوت آنها نمی‌شد (جهاد شیعه در دوره اول عباسی، ص ۵۵).

ائمه بر مسأله امامت و خلافت خود تأکید داشتند؛ تا جایی که امام رضا علیه السلام در کتابی که گفته می‌شود در مورد اسلام خالص و احکام آن برای مأمون نوشت، در ابتدای کلام حتی بدون هیچ تقیه‌ای ایشان پس حمد و ثنای خداوند و پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، از خلافت برحق و بی‌واسطه علی علیه السلام پس از ایشان سخن گفت؛ اسامی تک تک امامان بعد از امام علی علیه السلام

را نام برد و همه را ستود؛ ایشان حتی از قیام قائم آل محمد (عج) در آخرالزمان سخن گفت و از تساوی حقانیتشان با حقانیت قرآن پرده برداشت؛ آنگاه به بیان احکام اسلام پرداخت (ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، صص ۲۶۱ - ۲۶۲).

البته بحث امامت ابتدا متکی بر نقل بود؛ چرا که از نظر تاریخی، این بحث بر این پایه است که آیا پیغمبر برای جانشینی پس از خود، کسی را تعیین کرده یا نه؟ به مرور زمان، مسئله نیازمند توضیح عقلی شد. بدین جهت تا زمان امام رضا علیه السلام ما بیشتر با شیوه نقل و گاهی هم با شیوه عقل در این باره مواجهیم. در زمان آن حضرت، بحث‌ها با تفصیل بیشتری شکل عقلی به خود گرفت و امام رضا علیه السلام در این باره معارف زیادی را مطرح فرمود. البته دلیل دیگری نیز وجود داشت و آن مطرح شدن حق اهل بیت علیهم السلام برای خلافت بود که مأمون آن را پذیرفته بود (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، ص ۴۵۸).

بیش از ۴۹۰ در مسند الامام الرضا علیه السلام روایت در فصل «الامامة» آمده که قسمتی از آنها مباحث تاریخی مربوط به جریانات امام رضا علیه السلام می‌باشد. در ضمن احادیث این فصل، بحث‌های عقلی فراوان دیده می‌شود. روشن است که این حجم از معارف مربوط به امامت، تا پیش از آن نبوده است (کمال الدین، ص ۶۷۵؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۸).

اما دوران امام رضا علیه السلام در مرو یک ویژگی متمایز و متفاوت از دیگر امامان دارد و آن، همزمانی حضور امام رضا علیه السلام با خلافت مأمون است که در واقع می‌توان گفت وی داناترین خلیفه عباسی است. مسعودی درباره تمایز مأمون از دیگر خلفای عباسی، چنین می‌گوید:

او اراده منصور، زهد مهدی، و عزت نفس هادی را در خود جمع کرده بود (مروج الذهب، ج ۴، ص ۵).

امام علی علیه السلام نیز در مورد مأمون فرمود:

هفتمین آنها از همه‌شان دانشمندتر خواهد بود.

با توجه به اینکه امام علیه السلام تحت کنترل شدید مأمون است و مأمون تمام تلاش خود را می‌کند تا در برابر دیگر عالمان اسلام از وجهه علمی امام بکاهد و قدر و منزلت معنوی ایشان را در بین مسلمانان کم کند؛ امام رضا علیه السلام در برخوردی با وی، باید با منطقی استوارتر و محکم‌تر و دلایلی عمیق‌تر از دلایل و منطقی که در مدینه به کار می‌برد، از اسلام ناب و خلافت برحق امامان شیعه و تشیع علوی دفاع کند.

از آنجا که آن حضرت عالم بما سوی الله، واسطه فیض این عالم، معدن کلمات پروردگار، گنجینه انوار الهی و خزینه علم خداوند متعال است؛ احتجاجات و مباحثات امام رضا علیه السلام با فرقه‌های مختلف در مجلس مأمون، مقام علمی آن حضرت را آشکار می‌کرد. چنانچه مأمون بارها می‌گفت:

هیچ کس را در روی زمین دانانتر از حضرت رضا علیه السلام نمی‌دانم. (زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۲۸).

فرق بین «عترت» و «امت»

از جمله آموزه‌های روایی حائز اهمیت امام رضا علیه السلام در مرو، مناظرات ایشان با مأمون و علمای حاضر در دربار وی در مورد فرق بین «عترت» و «امت» است. ریان بن صلت گوید:

حضرت رضا علیه السلام به مجلس مأمون در مرو حاضر شد. در آن مجلس عده‌ای از علمای عراق و خراسان حضور داشتند. مأمون گفت: معنی این آیه را برایم بگویید: «سپس کتاب را به عنوان ارث به کسانی از بندگانمان که آنان را برگزیده بودیم دادیم. (فاطر، ۳۲). عالمان گفتند: مراد خداوند، تمامی امت است؛ مأمون گفت: یا اباالحسن نظر شما چیست؟ حضرت فرمود: "با آنان هم عقیده نیستیم! بلکه به نظر من مراد خداوند عترت طاهره پیامبر بوده است". مأمون سؤال کرد: چطور نظر خداوند فقط عترت بوده، نه امت؟ حضرت فرمودند: "زیرا اگر مراد تمام امت باشد؛ همگی آنان باید اهل بهشت باشند، زیرا خداوند می‌فرماید: «بعضی از آنان به خود ستم می‌کنند و بعضی میانه‌رو هستند، و بعضی دیگر به اذن خدا در خیرات پیش‌قدم‌اند و از دیگران سبقت می‌گیرند؛ این است فضل بزرگ» (فاطر، ۳۲). سپس همه را اهل بهشت قرار داده؛ پس وراثت مختص عترت طاهره است نه دیگران". مأمون گفت: عترت طاهره چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: "همان کسانی که خداوند آنان را در کتابش این گونه وصف نموده: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطَهِّيراً : همانا خدا اراده کرده است تا رجس را از شما اهل بیت ببرد و شما را مطهر و پاک گرداند» (احزاب، ۳۳)؛ آنان همان کسانی هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آنها حدیث تقلین را فرمود (عیون اخبار الرضا، ج ۱، صص ۴۷۵ - ۴۹۶).

در ادامه این روایت، امام علیه السلام با اشاره به برخی آیات قرآن به مسئله عصمت ائمه اطهار علیہم السلام می‌پردازد و برتری خاندان طهارت بر دیگران را بر اساس آیات قرآن اثبات می‌کند. سپس مواردی که تفاوت بین آل و امت پیامبر صلی الله علیه و آله را نشان می‌دهد، بیان می‌کند و در ادامه، به دوازده مورد از جمله آیه انذار اقریبین، آیه تطهیر، آیه مباحله، بستن همه درها در مسجدالنبی جز در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام، حدیث منزلت، ماجرای فدک، آیه اجر رسالت، آیه اولی الامر و ... اشاره می‌فرماید.

مأمون در آخر به علمای حاضر گفت: حال! آیا در این مورد سخنی دارید؟ همه گفتند: نه و مأمون باز هم ادامه داد ... (همان).

ابطال خلافت خلفا با دلایل خودشان

گروهی از فقیهان و علمای اهل کلام نزد مأمون گرد آمدند. (مأمون در پنهان به ایشان گفته بود درباره مسئله امامت با او بحث کنید و محور بحث شما همین مطلب باشد) پس [چون مجلس حاضر شد] حضرت رضا علیه السلام به ایشان فرمود: شما یک تن از میان خود انتخاب کنید که او از طرف شما با من گفتگو نماید، که هر چه بر او لازم آید، بر تمام شما نیز لازم آمده باشد؛ ایشان نیز از بین حاضران مردی به نام یحیی بن ضحاک سمرقندی را برگزیدند که در خراسان همانندی نداشت؛ حضرت به او فرمود: از هر چه می‌خواهی سؤال کن، او گفت: درباره مسئله امامت می‌پرسم. شما چگونه ادعای امامت می‌کنید برای کسی که امامت نکرد، و رها می‌کنید کسی را که امامت کرد و مردم هم به امامت او رضایت دادند؟ امام علیه السلام فرمود: ای یحیی! نظرت درباره کسی که تصدیق کننده فردی است که او خود را تکذیب کرده و آنکه تکذیب کننده کسی است که خود را راستگو می‌داند چیست؛ بگو ببینم کدام یک از این دو حق و درست کارند و به حقیقت رسیده‌اند، و کدام یک از آن دو باطل و خطا کارند؟

یحیی ساکت ماند، مأمون به او گفت: پاسخ بده، گفت: ای امیرالمؤمنین! مرا از پاسخ این پرسش معاف بفرمایید، مأمون گفت: ای ابوالحسن! برای ما مقصود خود را از این پرسش بیان فرمایید؛ امام فرمود: یحیی چاره‌ای ندارد جز اینکه خبر دهد از رهبران او کدامی ک خود را تکذیب کردند و کدام یک تصدیق نمودند؟ و اگر فکر می‌کند که آنان تکذیب کردند، پس کذاب شایسته امامت نیست، و اگر می‌پندارد که ایشان تصدیق کردند، پس از جمله ایشان اولی است که گفته است: "من بر شما ولایت یافتم ولی بهترین شما نیستم"، و آنکه پس از وی بود در

باره‌اش گوید که "بیعت با خلیفه اول اشتباه و خطا بود؛ هر که مانند این کار را پس از آن تکرار کند او را بکشید". قسم به خدا نپسندید و راضی نبود برای فردی که عمل ایشان را تکرار نماید مگر به قتل و کشته‌شدن! پس آنکه بهترین مردم نیست در حالی که بهتری وجود ندارد، مگر به صفات و ویژگی‌هایی که یکی از آنها علم است و یکی جهاد و کوشش و دیگر فضائل، و آنها در او نبود و هر کس با او به امامت بیعت کند، لغزش و اشتباه باشد که موجب کشتن کسی باشد که مانند آن را ترک نماید؛ چطور امامت چنین فردی برای دیگران مورد قبول باشد و وضع او این باشد؟ آنگاه خود او روی منبر گفت: مرا شیطانی است که بر من عارض می‌شود؛ هر گاه او از طریق مستقیم مرا به کجی کشانید، شما مردم مرا به راه راست آورید و هرگاه خطائی از من سر زد، مرا راهنمایی کنید؛ بنابراین، اینان بنا به قول خودشان امام نیستند، چه صادق باشند چه کاذب! یحیی دیگر هیچ پاسخی برای گفتن نداشت؛ پس مأمون از کلام آن حضرت شگفت‌زده شده و گفت: ای ابوالحسن! در روی زمین کسی نیست که این طور نیکو سخن گوید جز شخص شما! (الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸).

قابل توجه است که این استدلال‌ات محکم و زیبا از کتاب‌های خود اهل سنت، تا امروز به شیعیان در اثبات حقانیت اعتقادشان کمک فراوانی کرده است.

معرفی نسب امامان علیهم‌السلام

همچنین امام رضا علیه‌السلام بارها و در مجالس گوناگون به صورت کامل از نسب ائمه اطهار علیهم‌السلام، که به حق جانشینان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشند، سخن گفته است تا کسی در این مورد به خطا نرود.

برشمردن صفات و برتری‌های امام به صورت مفصل

در حدیثی که در مرو از امام رضا علیه‌السلام نقل شده، ایشان از صفت امام و امامت و فضل و برتری وی سخن می‌راند:

عبدالعزیز بن مسلم گوید: در زمان علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در مرو بودیم. من نزد ایشان رفتم و اختلافات مردم در باب امامت را به عرض ایشان رساندم، حضرت تبسمی کرده فرمودند:

«ای عبدالعزیز! مردم اطلاعی ندارند؛ از دین خود به نیرنگ گمراه شده‌اند؛ خداوند تبارک و تعالی پیامبر خود را قبض روح نکرد مگر بعد از اینکه دین را برای او کامل گردانید. قرآن را که بیان همه چیز در آن است، بر او نازل فرمود؛ حلال و حرام، حدود و

احکام و جمیع نیازمندی‌ها را به طور تمام و کمال در آن بیان کرد و فرمود: « ما قَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ: در کتاب به هیچ وجه کوتاهی نکرده‌ایم» (انعام، ۳۸)؛ در حَجَّةُ الْوَدَاعِ که پایان عمر حضرت رسول ﷺ واقع شد، این آیه را نازل فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا: امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین، برای شما پسندیدم» (مائده، ۳)؛ مسئله امامت، تمام‌کننده و کامل‌کننده دین است، و حضرت رسول ﷺ قبل از وفات خود، دین را برای مردم توضیح داده، تبیین فرمود، و راه آن را برای آنان آشکار کرد؛ آنان را در مسیر حق قرار داد و علیؑ را بعنوان امام و راهنما برایشان تعیین فرمود، و تمام آنچه را که مردم به آن نیازمندند، بیان فرمود. هر کس گمان کند خداوند دین خود را کامل نکرده، در حقیقت کتاب خدا را رد کرده است، و هر کس کتاب خدا را رد کند کافر است. آیا مردم به قدر و ارزش امامت و موقعیت آن در بین امت آگاهند تا انتخابات آنان در آن مورد قابل قبول باشد؟! امامت، جلیل‌القدرتر، عظیم‌الشان‌تر، والاتر، منبع‌تر و عمیق‌تر از آن است که مردم با عقول خود آن را درک کنند، یا با آراء و عقائد خویش، آن را بفهمند یا بتوانند با انتخاب خود امامی برگزینند؛ امامت چیزی است که خداوند بعد از نبوت و خلت (مقام خلیل‌اللهی) در مقام سوم، ابراهیم خلیلؑ را به آن اختصاص داده به آن فضیلت مشرف فرمود، و نام او را بلند آوازه کرد.

خداوند می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا: ای ابراهیم! تو را برای مردم، امام برگزیدم»؛ ابراهیمؑ از خوشحالی گفت: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي: آیا از فرزندان و نسل من هم» امام برگزیده‌ای؟ خداوند فرمود: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ: عهد من به ظالمان نمی‌رسد» (بقره، ۱۲۴).

این آیه امامت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل می‌کند و بدین ترتیب، امامت در بین خواص و پاکان قرار گرفت.

پس این امامت در اولاد علیؑ تا روز قیامت خواهد بود، زیرا پیامبری بعد از محمد ﷺ نخواهد آمد. حال، چگونه این جاهلان می‌خواهند انتخاب کنند (عیون اخبار الرضا، ج ۱، صص ۴۴۵ - ۴۵۸).

این روایت، بسیار مفصل و دربردارنده دلایل فراوان قرآنی و عقلی در اثبات صفات و برتری امامان علیهم‌السلام بر دیگران می‌باشد که در این مقاله مجال عنوان همه آن نیست. ولی از این روایت مفصل می‌توان نتیجه گرفت که تکیه اصلی امام رضا علیه‌السلام در مرو، متمرکز بر اثبات فضیلت و صفات امامت با آیات قرآن و دلایل محکم عقلی است؛ هرچند در مدینه مباحث امامت بیشتر به صورت اعتقادی و روایی مطرح می‌شد. همچنین در این روایت از اعتقاد اصلی شیعیان یعنی نص بر امامت علی علیه‌السلام و از عصمت و عدم اشتباه و جهل امامان علیهم‌السلام سخن رانده شده است؛ برخلاف آنچه از تاریخ بر مدعیان جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از عدم عصمت و نیز از اشتباهات و خطاهای آنان سخن بسیار گفته شده است.

اشاره به بی‌بدیل بودن امام

ابالصّلت هروی از یاران امام رضا علیه‌السلام در مرو گوید:

حضرت رضا علیه‌السلام از پدران بزرگوارش از امام حسین علیه‌السلام نقل کردند که سه روز قبل از شهادت حضرت علی علیه‌السلام، مردی نزد آن حضرت آمد و درباره اصحاب الزّس سؤالی پرسید؛ از جمله سؤالات او این بود که اصحاب الزّس در چه زمانی می‌زیستند؟ مسکن آنان کجا بود؟ پادشاه آنان چه کسی بود؟

حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: درباره طلبی سؤال کردی که قبل از تو کسی چنین سؤالی از من نپرسیده بود، و بعد از من نیز کسی در باره آن مطلبی برای نقل نخواهد کرد مگر از قول من، و هیچ آیه‌ای در قرآن نیست مگر اینکه آن را می‌دانم و تفسیرش را نیز می‌دانم ... اینجا با دست به سینه مبارکشان اشاره نمودند؛ علم بسیاری است ولی طالبان آن کم هستند و به زودی وقتی مرا از دست دادند پشیمان خواهند شد (عیون اخبار الرضا، ج ۱، صص ۴۱۹ - ۴۲۶).

تطبیق تفسیر باطن آیات در مورد امامان

در برخی از احادیث نقل شده از امام رضا علیه‌السلام در مرو، در تفسیر آیات قرآن به جایگاه رفیع حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام از نسل ایشان نیز اشاره شده است. از جمله، فضل بن شاذان گوید: «از حضرت رضا علیه‌السلام چنین شنیدم که آن زمان که خداوند تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم علیه‌السلام امر فرمود که به جای فرزندش اسماعیل، گوسفندی را که خداوند فرستاده بود ذبح نماید، حضرت ابراهیم در دل آرزو کرد که ای کاش فرزندش اسماعیل را به

دست خود ذبح می‌کرد و دستور ذبح گوسفند به جای ذبح فرزندش به او داده نشده بود ... تا شایسته بالاترین درجات ثواب، در صبر بر مصائب شود.»

در ادامه این حدیث به محبوب‌ترین خلق خدا یعنی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نیز ماجرای جان‌سوز کربلا اشاره شده است و در ادامه آمده است که خداوند فرمود:

گروهی که خود را از اُمَّتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌دانند، فرزندش حسین را به ظلم و ستم مانند گوسفند ذبح خواهند کرد و با این کار سبب خشم و غضب من خواهند شد. «ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بر این مطلب جزع و فرع نمود، دلش به درد آمد و شروع به گریه کرد و این همان مطلبی است که آیه «وَقَدِينَاهُ بِذُبْحِ عَظِيمٍ : و او را به گوسفندی بزرگ، باز خریدیم.» (صافات، ۱۰۷) به آن اشاره دارد (عیون اخبار الرضا، ج ۱، صص ۴۲۷ - ۴۲۸).

علم به باطن قرآن نزد عترت طاهره

حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز به این مطلب که علم به باطن قرآن و نیز تأویل آن نزد اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است، اشاره کرده است (قرآن حکیم از منظر امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۸۰).

امام عَلَيْهِ السَّلَام با علی بن جهم مباحثه جالبی درباره عصمت پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام دارد. آن حضرت در بحث خود، با سهولت شگفت‌انگیزی مفاد واقعی برخی آیات را که ظاهراً با این اعتقاد تناقض دارد، آشکار فرموده است.

امام عَلَيْهِ السَّلَام سخن خود را با علی بن جهم به نکوهش او و کسانی که کتاب خدا را به رأی و اندیشه خویش تفسیر و تأویل می‌کنند، آغاز کرد و فرمود بر او و آنهاست که طبق آیه کریمه «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ : و تأویل آن را کسی جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند» (آل عمران، ۷)، برای شناخت تفسیر صحیح آیات قرآنی، به کسانی که خداوند نیرو و ملکه دانش و معرفت را به آنان عطا فرموده مراجعه کنند.

سپس امام عَلَيْهِ السَّلَام به بیان معانی آیاتی که ظاهراً موجب توهم عدم عصمت پیامبران، و جواز صدور معصیت از آنان است، پرداخت و از عصمت آدم عَلَيْهِ السَّلَام و یوسف عَلَيْهِ السَّلَام و نیز داوود عَلَيْهِ السَّلَام و ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با زینب دختر جحش و ... دفاع نمود (تحلیلی از زندگانی امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، صص ۲۱۰ - ۲۱۳).

امام رضا علیه السلام در مرو نیز همچون مدینه از اعتقادات خاصه شیعیان محکم و مستدل با دلایل قرآنی و عقلی لکن در حدی وسیع تر دفاع می کرد.

مهدویت

یکی از شیعیان خالص امام که در زمان حضور امام در مرو به خدمت ایشان رسید، دعبل خزاعی بود (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام). امام با دعبل، که در مدح ایشان و امامان علیهم السلام اشعاری ستود بود، از مهدویت و انتظار سخن گفت و قائم آخرالزمان (عج) که از نسل اوست را به وی معرفی کرد. (مناقب آل ابی طالب، ص ۳۳۹).

بداء

امام رضا علیه السلام در مدینه مسلمانان را به عقاید خاصه شیعیان توجه می دادند ولی در این روایت که در مرو در مناظره با سلیمان مروزی عنوان شده است، امام علیه السلام عقاید خاصه شیعه را که از خود ائمه علیهم السلام اخذ شده اثبات می کند:

و آن حضرت علیه السلام از قرآن آیات فراوان استشهاد بر آن آورد که آن صحیح و آشکاراست؛ مثل قول خدای تعالی:

«... وعد الله حقاً إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده... : ... این به یقین وعده خداست او مخلوقات را بیافریند آنگاه آنان را به سوی خود بازگرداند...» (یونس، ۴)، «... و یزید فی الخلق ما یشاء... : ... در آفرینش هر چه بخواهد می افزاید...» (فاطر، ۱)، «... و یمحوا الله ما یشاء و یتثبت... : ... خدا هر چه را بخواهد محو یا اثبات می کند...» (رعد، ۳۹) «... و ما یعمّر من مَعْمَرٍ و لا ینقُص من عُمره... : ... و عمر هیچ سالخورده ای به درازا نکشد و از عمر کسی کاسته نگردد...» (فاطر، ۱۱)، «... و آخرون مُرجون لِأمرِ الله... : ... و گروهی دیگر به مشیت خداوند وا گذاشته شده اند...» (توبه، ۱۰۶).

و امثال این آیات را بسیار بیان فرمود. چنانکه سلیمان گفت: یا امیرالمؤمنین ان شاء الله تعالی من بعد از امروز منکر بداء نگردم و آن را تکذیب نکنم (شرح و ترجمه احتجاج).

ایشان همچنین در مرو با سلیمان مروزی (تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ص ۵۲) و نیز بر سر بحث اعتقاد امامیه در مورد صفت رؤیت خداوند با اباصلت هروری و ابراهیم بن محمود خراسانی، بر سر رهایی بندگان در تاریکی و ضلال و نیز تکلیف بندگان بر ما لایطاق، و با یزید



بن معاویه شامی بر سر بحث «لا جبر و لا تفویض» در پی اثبات اعتقادات امامیه برآمدند که امامیه نیز از امامان این اعتقادات را گرفته‌اند.

در برخورد با شیعیان در مرو

از امام عسکری علیه السلام نقل است که فرمود: وقتی ولایت‌عهدی برای حضرت رضا علیه السلام قرار گرفت، امام رضا علیه السلام برای مدتی کسانی را که خود را شیعیان علی علیه السلام می‌دانستند، نپذیرفتند و پس از گلابیه و شاکیه شدن آنها، حضرت رضا علیه السلام به دربان خود فرمود: اجازه بده داخل شوند، آنان وارد شده سلام کردند ولی آن حضرت نه جواب سلامشان را داد و نه اذن جلوس صادر کرد، و همان طور ایستادند. همگی گفتند: ای زاده رسول خدا، این چه جفای عظیم و استخفاف پس از آن حجاب سخت است! دیگر چه جفائی مانده تا بر سر ما آید؟!

حضرت رضا علیه السلام فرمود: این آیه را بخوانید: «و هر مصیبتی که به شما رسد به سبب کارهایی (خطا و گناهانی) است که دست‌هایتان کرده و از [گناهان] در می‌گذرد» (شوری، ۳۰) به خدا سوگند که من در این کار تنها به خداوند و رسول او و امیرالمؤمنین و پدران پاکم پس از او اقتدا کردم؛ آنان بر شما نکوهش کردند من نیز اقتدا نمودم. گفتند: برای چه ای زاده رسول خدا؟! فرمود: برای این ادعا که شما شیعه امیرالمؤمنین هستید! وای بر شما! شیعیان او حسن و حسین و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و محمد بن ابی‌بکر بودند؛ همانهایی که ذره‌ای از دستورات او سربچی نکردند! حال اینکه شما در بیشتر کردارتان با او مخالفید، و در بیشتر فرائض خود کوتاهی ورزیده و بزرگی حقوق برادران خود را درباره خدا خوار و بی‌مقدار می‌دارید؛ آنجا که نباید، تقیه می‌کنید، و آنجا که باید، تقیه نمی‌کنید؛ اگر شما در همان ابتدای کار می‌گفتید ما از موالی و محبتین اویم و از دوستان اولیای او و دشمنان دشمنان او هستیم؛ من منکر این قول شما نشده بودم، ولی این مقام و مرتبه شریفی بود که شما مدعی آن شده‌اید. اگر کردار شما گفتارتان را تصدیق نکند، به هلاکت افتید؛ مگر اینکه رحمت پروردگارتان آن را تلافی کند.

آنان نیز اظهار ندامت و توبه کردند. حضرت رضا علیه السلام فرمود: آفرین و مرحبا به شما برادران و محبتینم! بیایید بالا و آنقدر آنان را به بالا خواند تا تک تکشان را در بغل گرفت،

سپس به دربان خود فرمود: چند بار ایشان را مانع شدی؟ گفت: شصت بار. فرمود: به همان تعداد نزد ایشان رفته و ضمن سلام، سلام مرا به ایشان برسان. اکنون با این استغفار و توبه، همه گناهان خود را محو و پاک ساختند، و به جهت محبت و موالاتشان به ما مستحق کرامت شده‌اند، و از حال ایشان و امور نان‌خوران آنها تقفد کن؛ نفقات بسیار و احسان فراوان و هدایای بسیاری بدیشان داده و زیانشان را جبران کن (الاحتجاج، ج ۲، صص ۵۰۰-۵۰۲).

تصحیح اصول اعتقادی شیعیان

وجود امام رضا علیه السلام در تاریخ از عوامل گسترش تشیع در ناحیه خراسان بود. تماس شیعیان این ناحیه با امام و نگارش نامه‌هایی به آن حضرت و طرح سؤال و گرفتن پاسخ، از شواهد این امر است. مجموعه نامه‌های امام به افراد مختلف در توضیح مبانی شیعه، به راحتی گستردگی آن را نشان می‌دهد؛ نامه‌هایی از قبیل تبیین جایگاه اهل بیت در کتاب و سنت (بصائر الدرجات، ص ۱۱۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۳؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۶) برخی از مسائل کلامی (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱) و نیز مسائل اختلافی میان شیعه و سنی مانند؛ مسأله ایمان ابوطالب (معادن الحکمه، ج ۲، ص ۱۷۶) توضیح مصداق شیعه (قرب الاسناد، صص ۲۰۴-۲۰۶) توضیح مصداق صحابی (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۸) و معنای اولی الامر (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۶۰) و جز آن. این پاسخ‌ها آموزه‌هایی بود که برای شیعیان به عنوان دیدگاه قطعی پذیرفته می‌شد (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، ص ۴۶۱).

البته محدودیت‌هایی که عباسیان برای علویان و شیعیان فراهم کرده بودند، غالباً باعث دوری شیعیان از ائمه بوده و در فراگیری اعتقادات، مشکلاتی برای آنها فراهم می‌کرد؛ لذا از ابی‌نصر بزنطی نقل شده که:

خدمت امام عرض کردم که از شیعیان گروهی اعتقاد به جبر پیدا کرده‌اند و گروهی قائل به اختیار هستند (التوحید، ص ۳۳۸).

در روایت دیگری آمده است که یکی از شیعیان خطاب به امام گفت:

ای فرزند رسول خدا! خدا را برای ما وصف کن؛ زیرا میان اصحاب ما در شناخت خدا اختلاف زیادی پیدا شده است. (همان، ص ۴۷).



همچنین شیعیان که خود را متعهد به روایات می‌دیدند، در برابر روایاتی که خدا و صفات او را طوری تفسیر می‌کردند که از او مانند انسان تصویرسازی کرده، سپس متحیر گشته و از امام علیه السلام در این رابطه پرسش می‌کردند.
هروی می‌گوید:

از امام درباره حدیث: «أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَزُورُونَ رَبَّهُمْ مِنْ مَنَازِلِهِمْ فِي الْجَنَّةِ» «مومنین در بهشت خدا را از منازلشان زیارت خواهند کرد.» که اهل حدیث این روایت و روایاتی دیگر از این نوع را دالّ بر رؤیت بصری خداوند در قیامت می‌دانند، پرسیدم. امام به تفصیل به بررسی این روایات پرداخته و قسمتی را از اساس، غیر صحیح خوانده و برخی را نیز با استفاده از آیات و روایات دیگر و مقدمات عقلی توجیه نمود (همان، ص ۱۱۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۵). «ماشهد به الكتاب و السنّة فنحن القائلون به: هر آنچه را که کتاب و سنّت صحت آن را تأیید می‌کنند، ما آن را می‌پذیریم» (التوحید، ص ۱۱۳، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰۰).

لکن شیعه که از ابتدا از موضع نفی تشبیه و جبر وارد شده و با این دو مسئله که مروج آن یهودیان و متأثران از آنها و نیز حکام اموی بودند، مبارزه کرده است. اما دلایلی همچون وجود غلات در میان شیعه، تبلیغات نادرست و تحریف‌کننده درباره عقاید آنها و عدم فهم درست نظرات آنها، سبب شد تا افرادی شیعه را به داشتن عقیده تشبیه متهم نمایند (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام).

از مسائلی که اهمیت کلامی بسیار داشت، مسئله رؤیت خدا بود؛ مسئله‌ای که حتی اشاعره با تمام کوششی که در این راه به کار بردند، نتوانستند از آن خلاصی یابند و در نهایت، اعتقاد به رؤیت خدا در روز قیامت را همچون اهل حدیث پذیرفتند.

آنها برای اثبات این اعتقاد، به برخی از آیات متشابه آیات قرآن مانند «لقد رآه نزلة اخرى» که به رؤیت خداوند توسط پیامبر اشاره کرده و نیز احادیثی که در اطراف آن نقل شده، استناد کرده‌اند.

امام رضا علیه السلام در ردّ این برداشت و استدلال به آن، و به عنوان انکار رؤیت به طور کلی، فرمودند:

در دنبال این آیه، آیه دیگری نازل شده و آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده، روشن می‌کند: «ما کذب الفؤاد ما رأى: آنچه را که پیامبر با دل خود، نه به چشم سر، دیده،

تکذیب نمی‌کند» و پس از این آیه می‌فرماید: «لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى: پیامبر پاره‌ای از آیات بزرگ خدایش را دیده» (نجم، ۱۸) و روشن است که آیات خدا، غیر از خود خدا است؛ چنانکه در جای دیگری فرموده: «لَا يَحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا: هیچ کسی نمی‌تواند به خدا احاطه علمی پیدا کند» (طه، ۱۱۰)؛ اگر کسی بتواند او را به چشم ببیند، پس به او احاطه علمی پیدا کرده و خدا مورد معرفت او قرار گرفته است. ابوقره گفت: آیا شما روایات را تکذیب می‌کنید؟ امام فرمود: «اذا كانت الروایات مخالفة للقرآن كذبتها: وقتی روایات مخالف با قرآن باشد، من آن را تکذیب می‌کنم» (التوحید، ص ۱۱۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۹۵).

امام در تفسیر آیات دیگری که مورد استدلال اهل حدیث بود یعنی آیه «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ: به سوی پروردگارشان نظر می‌کنند» (قیامه، ۲۳)، فرمود:

«عنی مشرفة تنتظر ثواب ربها: در روز قیامت چهره مؤمنان از زیبایی می‌درخشد و انتظار ثواب پروردگارشان را دارند» (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۴؛ مسند الامام الرضا، ج ۱، ص ۳۷۹)

ابراهیم بن عباس تعبیر جالبی درباره امام دارد و آن این که «کان کلامه کلّه و جوابه و تمثله انتزاعات من القرآن» (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۰) سخنان امام رضا علیه السلام و جواب‌ها و مثال‌های آن حضرت به طور کلی از قرآن برداشت شده بود (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام)

توجه به اسلام در حضور اهل کتاب

یکی از تلاش‌های امام رضا علیه السلام در مرو و در حضور اهل کتاب، اثبات حقانیت اسلام در برابر سایر ادیان بود؛ فرصتی که برای امام علیه السلام در مدینه فراهم نشده بود و این نیز از تفاوت‌های عمده آموزه‌های حدیثی امام علیه السلام در مدینه و مرو می‌باشد.

برای نمونه شیخ صدوق از حسن بن محمد نوفلی هاشمی نقل کرده که گفت: وقتی که حضرت امام رضا علیه السلام به نزد مأمون آمد، همه اهل کتاب نزد حضرت جمع شدند و حضرت حدیثی به عنوان احتجاج (بیان حجت) برای آنان ذکر کرد که بسیار طولانی بود و از جمله دلایلی که حضرت برای یهودیان اقامه کرد، این بود که درباره (رأس الجالوت) فرمود:

« ای یهودی! به من توجه کن؛ من از تو درباره ده آیه از آیاتی سؤال خواهم کرد که به حضرت موسی علیه السلام نازل شده است. آیا در تورات این نوشته نشده که از محمد و امتش خبر می دهد که گفته وقتی امت آخر که پیرو پیامبر شتر سوار هستند می آیند، آنها به خداوند خویش به طور جدی تسبیح می گویند. پس در آن هنگام بنی اسرائیل به آن ملت پناه ببرد و در تحت ملک آنها باشد تا دل هایشان آرام بشود؛ زیرا در دست آنها شمشیرهایی است که بوسیله آن شمشیرها از امت های کافر روی زمین انتقام می کشند. آیا اینها در تورات هست یا خیر؟ رأس الجالوت گفت: بلی؛ ما در تورات این مطالب را دیده ایم.» (الجواهر السنیه فی الحدیث القدسیه، ص ۱۰۹).

از ابراهیم بن عباس صولی نقل است که گفت:

ندیدم از رضا علیه السلام پرسشی شود که او پاسخ آن را نداند. هیچ کس را نسبت به آنچه در عهد و روزگارش می گذشت، دانایتر از او ندیدم. مأمون او را بارها با پرسش درباره چیزهایی می آزمود؛ اما امام به وی پاسخ کامل می داد و در پاسخ، به آیاتی از قرآن مجید تمثل می جست. مأمون در یکی از مجالس خود تعدادی از علمای ادیان و فقهای اسلام و متکلمان را جمع کرده بود. پس امام در بحث و مناظره بر همه آنان چیره شد به گونه ای که هیچ کس نبود جز آن که بر فضل امام رضا علیه السلام و کوتاهی خود اعتراف کرد. از خود آن حضرت شنیدم که می فرمود: در روزه می نشستم و علما در مدینه بسیار بودند. چون یکی از ایشان در حل مسئله عاجز می ماند، همگی برای حل آن مرا پیشنهاد می کردند و مسائل خود را نزد من می فرستادند و من نیز آنها را پاسخ می دادم (سیره معصومان، ج ۵، ص ۱۴۷).

نتیجه

امامان شیعه، وارثان پیامبر صلی الله علیه و آله و علوم انبیا بودند. هر امامی، معارف و احکام الهی را از طریق پیامبر یا امام قبل از خود دریافت می کرد و چنانچه به موضوع جدیدی برمی خورد، به طور حتم باید آن را از طریق الهام و به مدد قوه قدسیه فرامی گرفت. امامت، استمرار نبوت بود، و همان عاملی که موجب ضرورت ارسال پیامبران و بعثت انبیا بود، نصب امام بعد از نبی صلی الله علیه و آله را هم واجب می ساخت.

بنابراین، امامان رسالت انبیا را در دفاع از آموزه های دینی اما در حد وسیع تر و به صورت عمیق تر به عهده داشتند. امام رضا علیه السلام در مدینه و به صورت خاص در مرو به دفاع از حقانیت

اسلام در برابر اهل کتاب و دفاع از مبانی و اصول امامیه و حق امامت امامان علیهم‌السلام در برابر دیگر فرقه‌های اسلامی پرداخته، استدلال‌های بسیار عالی و محکمی در این زمینه برای راویان و متکلمان امامیه بر جای گذاشت.

لکن از آنجا که ایشان در مرو مناظرات فراوانی انجام داد، نسبت به مدینه معارف فراوان‌تری را با رویکرد قوی عقلی و نقلی مطرح نمود و در گسترش اسلام ناب محمدی نقش بسیار مهمی را در تاریخ ایفا کرد. نقش امام رضا علیه‌السلام در گسترش علم، حکمت، فلسفه و تمدن اسلامی نیز ستودنی است.



کتاب نامه

- قرآن کریم
- احتجاج، طبرسی، احمد بن علی، شرح و ترجمه: غفاری، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۱ هـ. ش، ۴ ج.
- اصول کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران: انتشارات فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
- الارشاد، ابن نعمان، محمد بن محمد، قم: انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- التوحید، ابن بابویه قمی، محمد بن علی، قم: انتشارات نشر اسلامی، ۱۳۹۸ هـ. ق.
- امالی، ابن بابویه قمی، محمد بن علی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۸۰ هـ. ق.
- الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، شهید اول، محمد بن مکی، قم: انتشارات زائر، ۱۳۷۹ هـ. ش.
- الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تهران: انتشارات دهقان، چاپ سوم، ۱۳۸۰ هـ. ش.
- امامت (ترجمه امامت بحار الانوار)، مجلسی، محمدباقر، مترجم: خسروی، موسی، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۳ هـ. ش، ۵ ج.
- بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ. ق.
- بصائر الدرجات، ابوجعفر، محمد بن علی الصفار، تصحیح: کوچه باغی، حاج میرزا، تهران: انتشارات منشورات اعلمی، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، جعفریان، رسول، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵ هـ. ق.
- تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، فضل الله، محمدجواد، مشهد: انتشارات، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۸۲ هـ. ش.
- تصویر امامان شیعه در دایرة المعارف اسلام، تقی زاده داوری، محمود، قم: انتشارات مؤسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۵ هـ. ش.

- تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، محقق: رسولی هاشم، تهران: انتشارات اسلامی، بی‌تا، ج ۲.
- جهاد شیعه در دوره اول عباسی، لیثی، سمیره مختار، تهران: انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴ ه. ش.
- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم‌السلام، جعفریان، رسول، قم: انتشارات انصاریان، چاپ ششم، ۱۴۲۳ ه. ق.
- زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام ترجمه کتاب‌های اعلام الوری باعلام الهدی، طبرسی، فضل بن حسن، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ ه. ق.
- سیره پیشوایان، پیشوایی، مهدی، قم: انتشارات توحید، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۱ ه. ش.
- سیره معصومان، امین، محسن، تهران: انتشارات سروش (انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران)، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ه. ش، ج ۵.
- علل الشرایع، ابن بابویه قمی، محمد بن علی، نجف اشرف: انتشارات مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶ ه. ق.
- عیون الاخبار، دینوری، ابن قتیبه، قاهره: انتشارات المؤسسة المصرية العامة للتالیف و الترجمة و الطباعة و النشر، بی‌تا، ج ۲.
- عیون اخبار الرضا، ابن بابویه قمی، محمد بن علی، نجف: انتشارات مطبعة الحیدریه، ۱۳۹۰ ه. ق.
- قرآن حکیم از منظر امام رضا علیه‌السلام، جوادی آملی، عبدالله، قم: انتشارات دار الاسراء للنشر، ۱۳۷۹ ه. ق.
- قرب الاسناد، حمیری، عبدالله بن جعفر، تهران: انتشارات نینوا، بی‌تا، ج ۳.
- کمال الدین، ابن بابویه قمی، محمد بن علی، ترجمه: کمره‌ای، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ه. ق.
- مروج الذهب، مسعودی، علی بن الحسین، بیروت: انتشارات دارالاندلس، ۱۹۶۵ م.
- مسند الإمام الرضا ابی الحسن علی ابن موسی علیه‌السلام، عطاردی قوچانی، عزیزالله، بیروت: انتشارات دارالصفوة، چاپ دوم، ۱۳۱۴ ه. ق، ج ۲.
- معادن الحکمه، فیض کاشانی، محمد بن حسن، تهران: انتشارات مکتبه صدوق، ۱۳۸۸ ه. ق، ج ۲.

- معانی الاخبار، ابن بابویه قمی، محمد بن علی، قم: انتشارات مکتبه المفید، بی تا.
- مقاتل الطالبین، اصفهانی، ابوالفرج، نجف: انتشارات مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ. ق.
- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، قم: انتشارات مکتبه الطباطبائی، بی تا.
- مهدی موعود، مجلسی، محمد باقر، ترجمه: دوانی، علی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸ هـ. ش.